

اعتراض دیجیتال: کجا جواب می‌دهد و کجا خراب می‌کند

زینب توفکچی



پیدایش و گسترش اینترنت به‌عنوان یک فناوری ارتباطی جدید تحول‌شگرفی در تعاملات اجتماعی بشری در ابعاد گوناگون ایجاد کرده است. حرکات اعتراضی و جنبش‌های اجتماعی نیز از این تحولات برکنار نبوده‌اند. جلوه‌های متعدد رسانه‌های دیجیتال در حرکات جمعی در کشور ما نیز در بیش از یک دهه‌ی گذشته مشهود بوده است. مثلاً در جریان جنبش سبز شاید برای نخستین‌بار در دنیا بود که معترضان از تلفن‌های همراه خود برای فیلم‌برداری از اعتراضات و همچنین سرکوب خشونت‌بار مأموران امنیتی استفاده کردند. یا در دی‌ماه ۱۳۹۶ نیز رسانه‌های مجازی خارج از کشور نقش مهمی در گسترش اعتراضات ضدحکومتی داشتند. به‌طور کلی پیدایش و گسترش اینترنت باعث چه تغییراتی در حرکات اعتراضی و جنبش‌های اجتماعی شده است؟

رابطه‌ی اینترنت با جنبش‌های اجتماعی و اعتراضی موضوع بحث و تبادل نظر گسترده‌ای بین عالمان اجتماعی بوده است. از کتاب‌های مهمی که در چند سال اخیر در این موضوع منتشر شده، یکی کتاب **تویپتر و گاز اشک‌آور** از زینب توفکچی است. توفکچی جامعه‌شناس، استاد دانشکده‌ی اطلاعات و علوم کتابداری در دانشگاه کارولینای شمالی و ستون‌نویس روزنامه‌ی **نیویورک‌تایمز** است. از آنجا که توفکچی همیشه بر پرسش‌های اساسی دنیای معاصر تکیه می‌کرده، صحبت‌ها و نوشته‌های او در سال‌های

اخیر مورد توجه بسیار تحلیلگران و ناظران بوده است. در ادامه‌ی مقاله با استفاده از کتاب توفکچی درباره‌ی اینترنت به بررسی برخی تحولات مهمی که اینترنت در حرکات اعتراضی ایجاد کرده می‌پردازیم.

اینترنت تسهیلات جدیدی را برای جنبش‌های اجتماعی فراهم می‌کند. به‌طور خاص رسانه‌های اجتماعی این امکان را ایجاد می‌کنند که افراد بتوانند کسانی را که هم‌فکر آن‌ها هستند پیدا کنند و با آن‌ها یک جامعه‌ی مجازی تشکیل بدهند، یعنی جامعه‌ای از افراد که لزوماً یکدیگر را ندیده‌اند یا در یک مکان نیز حضور ندارند ولی به‌خاطر ارتباط مجازی و شباهت‌های فکری، خود را عضوی از یک گروه بزرگتر می‌دانند. علاوه بر این، اینترنت این امکان را ایجاد می‌کند که افراد از نواحی مختلف و با وجود مسافت زیاد در کنار هم به کنش‌های جمعی بپردازند. دیگر لازم نیست که برای برنامه‌ریزی یک راهپیمایی، برنامه‌ریزان و شرکت‌کنندگان از قبل با هم ملاقات کرده باشند.

(Ad) یکی از خصوصیات برنامه‌ریزی کنش جمعی از طریق اینترنتی خصوصیت خودجوش و خلق‌الساعه آن است؛ یعنی به‌جای اینکه از قبل درباره‌ی نیازمندی‌های یک حرکت جمعی مثل تظاهرات (hoc) برنامه‌ریزی شده باشد، وقتی که حرکت راه افتاد افراد از طریق اینترنت وارد عمل شده و بخش‌های مختلف کار را که روی زمین مانده به دوش می‌گیرند. همچنین برنامه‌ریزی‌هایی که پیش از اینترنت به افراد متعددی نیاز داشت، با وجود اینترنت با تعداد کمتری از افراد امکان‌پذیرند. مثلاً در جریان اشغال میدان تحریر در قاهره‌ی مصر در اعتراض به حسنی مبارک، معترضان بر اثر زدوخوردها با نیروهای امنیتی نیازمند ایجاد کلینیک‌هایی سرپایی بودند. برنامه‌ریزی برای این کلینیک‌ها و پیدا کردن امکانات برایشان توسط سه نفر داوطلبی انجام شد که حتی در مصر نبودند، بلکه با استفاده از اینترنت و تلفن به پیدا کردن امکانات از بیمارستان‌های مختلف و اطلاع‌رسانی درباره‌ی آن‌ها به معترضان پرداختند.

امکانات جدیدی که اینترنت برای جنبش‌های اجتماعی به همراه می‌آورد، البته با آسیب‌پذیری‌ها و شکنندگی‌هایی نیز همراه است. سه شکل از این آسیب‌پذیری در جنبش‌های دیجیتال سراسر دنیا قابل مشاهده است: انجماد تاکتیکی، ضعف در تصمیم‌گیری و رهبری بر اساس محبوبیت به‌جای مهارت.

انجماد تاکتیکی

چنان‌که گفته شد، اینترنت امکان بسیج سریع تعداد زیادی از افراد در مدت کوتاه را فراهم می‌آورد، بدون اینکه سازماندهی گسترده‌ای از پیش انجام شده باشد. این یکی از تفاوت‌های مهم بسیج اعتراضی در عصر اینترنتی و عصر پیش‌اینترنتی است. در دوران پیش‌اینترنت معمولاً بسیج گسترده‌ی جمعیت بدون وجود سازماندهی پیشینی، بسیار دشوار بود. زمانی که جنبش‌ها دست به بسیج گسترده بدون سازماندهی پیشینی

متکی بر اینترنت می‌زنند، این مسئله آن‌ها را دچار دست‌کم سه آسیب می‌کند. اولاً این جنبش‌ها دچار انجماد تاکتیکی می‌شوند.

ظرفیت‌ها و مهارت‌هایی که منجر به کسب محبوبیت آنلاین می‌شود، لزوماً مهارت‌هایی نیستند که لازمه‌ی رهبری کارآمد برای جنبش‌های اجتماعی هستند.

انجماد تاکتیکی مفهوم مقابل ابتکار تاکتیکی است. معمولاً وقتی معترضان در برابر حکومت از تاکتیک خاصی استفاده می‌کنند، پس از مدتی حکومت و مخالفان خود را با این تاکتیک تطبیق داده و به‌نوعی تاکتیک را خنثی می‌کنند. در این برهه جنبش‌ها در حالتی می‌توانند فعالیت‌هایشان را ادامه دهند که قادر باشند تاکتیک‌های جدیدی را انتخاب کنند. مثلاً در جریان انقلاب ۱۳۵۷ معترضان در ابتدا از چهلیم کشته‌شدگان اعتراضات قبل به‌عنوان محملی برای اعتراضات جدید استفاده کردند. این تاکتیک حدوداً از زمستان ۱۳۵۶ تا تابستان ۱۳۵۷ استفاده شد. از پاییز ۱۳۵۷ اعتصابات کارگران و کارمندان نوع جدید اعتراض بود و سپس با شروع شدن ماه محرم معترضان به استفاده از مناسبت‌های مذهبی برای حرکت اعتراضی خود روی آوردند. در مقابل، می‌بینیم که جنبش سبز پس از اعتراضات ابتدایی مربوط به انتخابات دست به انتخاب تاکتیک جدیدی زد و از مناسبت‌های رسمی مانند روز قدس و ۱۳ آبان برای حرکات اعتراضی خود استفاده کرد. اما وقتی که حکومت خود را با این تاکتیک تطبیق داد، جنبش سبز نتوانست تاکتیک جدیدی را جایگزین کند. این انجماد تاکتیکی، یعنی تکرار یک تاکتیک علی‌رغم تغییر محیط سیاسی، یکی از آسیب‌پذیری‌های جنبش‌های دیجیتال بوده است.

ضعف در تصمیم‌گیری

دشواری دیگر که جنبش‌های دیجیتال با آن دست به‌گریبان می‌شوند، مشکل تصمیم‌گیری است. زمانی که فعالان نیاز به برنامه‌ریزی و سازماندهی پیشینی داشته باشند، خودبه‌خود سازوکارهایی برای تصمیم‌گیری و حل اختلاف را نیز به‌وجود می‌آورند چراکه این سازوکارها لازمه‌ی کار جمعی هستند. ولی جنبش‌های دیجیتال که بدون سازماندهی وارد مرحله‌ی بسیج شده‌اند، فاقد چنین سازوکارهایی هستند. به‌طور مثال در جریان اعتراضات پارک گزی در ترکیه، وقتی که دولت معترضان را به مذاکره فراخواند، معترضان ناتوان از تصمیم‌گیری درباره‌ی این مسئله بودند که آیا در مذاکرات شرکت کنند یا نه و اینکه اگر شرکت کنند، چه‌کسی نماینده‌ی آن‌ها در مذاکرات خواهد بود و حتی اگر نماینده‌ای انتخاب کنند، آن نماینده در چه چارچوبی به مذاکره بپردازد. همین امر موجب انشقاق بیشتر در بین معترضان و تضعیف مضاعف جنبش شد.

رهبری بر اساس محبوبیت

شکندگی دیگری که این جنبش‌ها با آن مواجهند، بی‌رهبر بودن آن‌هاست. اینکه این جنبش‌ها فاقد رهبری سازمانی و رسمی هستند، البته باعث نمی‌شود که نوعی رهبری عملی در آن‌ها شکل نگیرد. شکل‌گیری این رهبری در عمل البته وابسته به مختصات و ویژگی‌های خاص رسانه‌های دیجیتال است. کسانی عملاً در مقام رهبری قرار می‌گیرند که محبوبیت آنلاین بیشتری داشته باشند، یعنی تعداد دنبال‌کنندگان (فالوئرهای) آن‌ها زیاد باشد و مطالبشان مورد توجه دیگران قرار بگیرد. اما ظرفیت‌ها و مهارت‌هایی که منجر به کسب محبوبیت آنلاین می‌شود، لزوماً مهارت‌هایی نیستند که لازمه‌ی رهبری کارآمد برای جنبش‌های اجتماعی هستند. چنان‌که در مقاله‌ی دوم در همین مبحث اشاره شد، رهبری جنبش نیازمند مهارت‌هایی مانند اتصال‌سازی، روایتگری و طراحی راهبردی است. ولی این‌ها مهارت‌هایی نیستند که افراد را لزوماً در رسانه‌های اجتماعی محبوب کنند. رهبران عصر دیجیتال به این ترتیب رهبرانی **تک‌پُر** یا **بسیج‌گر** می‌شوند که فاقد توان سازماندهی هستند. مشکل دیگر این رهبران این است که در فضای بی‌رحم آنلاین ممکن است انرژی آن‌ها تحلیل رود و عملاً پس از مدتی از دور خارج شوند.

در مجموع، به نظر می‌رسد که تأثیر اینترنت بر جنبش‌های اعتراضی تأثیر صفر و یکی و ساده‌ای نیست که یا اینترنت موجب تقویت اعتراض‌ها شده باشد یا به‌عنوان عامل تخدیر و سرگرمی آنلاین موجب تنبلی و دلخوشی بی‌دلیل کاربران. رسانه‌های دیجیتال از یک سو امکاناتی جدید را برای حرکات اعتراضی فراهم آورده‌اند که در مقایسه با دوران پیش‌اینترنت کاملاً بی‌سابقه بوده است، و هم در کنار امکانات جدید شکندگی‌هایی را برای حرکات اعتراضی و فعالیت‌های مدنی ایجاد کرده‌اند. شناخت این امکانات و شکندگی‌ها این فرصت را به ما می‌دهد که بتوانیم در عین استفاده از ظرفیت‌های جدید برای شکندگی‌ها نیز چاره و تدبیری بیندیشیم.

تلخیص و گزارش: محمدعلی کدیور

زینب توفکچی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه کارولینای شمالی در چپل‌هیل است. این گزارش که پیش‌تر در وبسایت دانشکده منتشر شده است، مختصری است از منبع زیر:

Zeynep Tufekci (2017) **Twitter and Tear Gas: The Power and Fragility of Networked Protest**. Yale University Press.

